

ملاحظات

عنوان	لوح مریم
وجه تسمیه لوح به عنوان مذکور	
صاحب اثر	حضرت بهاء الله
سال نزول	بعد از مراجعت از سلیمانیه
محل نزول	بغداد (ای مریم از ارض طا بعد از ابتلای لا یحصی به عراق عرب بامر ظالم عجم وارد شدیم)
لسان نزولی	فارسی
لحن نزولی	
کلام نزولی	
مصدر	من آثار حضرت بهاء الله - ایام تسعه، إشراق خاوری، صفحه ۳۶۶
مطلع	هُوَ الْمَحْزُونُ فِي حُزْنِي ای مریم مظلومیتم مظلومیتم اسم اولم را از لوح امکان محو نموده و از سحاب قضا امطار بلا فی کلّ حین ...
انتهای لوح	... إنشاء الله روح القدس صدق و یقین بر لسان او نطق مینماید و بر شحی از قضیه غلام عالم میشوید حسنی خانم و صغری خانم را ذاکریم.
مخاطب	مریم دختر عمه جمال قدم
اسامی نفوس مذکوره	
اسامی اماکن مذکوره	
الواح دیگر مذکور در متن این لوح	

	الواح دیگر با همین عنوان
	مواضيع و الواح دیگر که با مطالب این لوح شباهت و ارتباط دارند
	نصایح و انذارات احکام
	اشارات به کتب مقدسه قبل
	مناجاتهای نازلہ در متن لوح
	شئونات و سبک نزولی
	ترجمه های این لوح
	ترجمه های غیر رسمی
	منابع فارسی
	منابع عربی
	منابع انگلیسی
	نسخه شناسی
	به خط
	نوع نسخه

سایر ملاحظات

<p>جمال مبارک در متن این لوح آن را به ناله بدیعه و گریه ربیعه نام نهاده اند قوله تعالی: "بایری ای مریم این لوح را بناله بدیعه و گریه ربیعه نام نهادیم". حضرت ولی امرالله در ضمن شرح وقایع دوره بغداد از این لوح مبارک تحت عنوان "لوح مریم یاد نموده اند"</p>	<p>۱</p>
<p>مریم باحضرت بهالله نسبت داشته اند: یکی دختر عمه جمال مبارک بوده اند. دیگر خانم برادر آنحضرت بوده اند (زوجه آقا میرزا رضا قلی)، دیگر خواهر مهد علیا حرم مبارک بوده اند و بلاخره ایشان خواهر شوهر دختر عمو و خواهر زاده امی آن حضرت بودند. (خواهر میرزا محمد وزیر شوهر هوا خانم)</p>	<p>۲</p>
<p>از القاب دیگر مریم در آثار مقدسه جمال اقدس ابهی ورقه الحمرا میباشد.</p>	<p>۳</p>
<p>بنا بر تبیینات حضرت ولی مقدس امرالله مقصود از اسم اولم در این لوح حضرت رب اعلی میباشد.</p>	<p>۴</p>

اهم مواضع موجود در این لوح

<p>اشاره به صدمات و بلائی وارد بر حضرت به‌الله: ای مریم مظلومیتم مظلومیّت اسم اوّلّم را از لوح امکان محو نموده و از سحاب قضا امطار بلا فی کلّ حین بر این جمال مبین باریده و همچنین میفرمایند: باری امر بمقامی منتهی شد که این عبد اراده خروج از مابین یا جوج نمود و همچنین میفرمایند: در حالتیکه معینم قطرات دموع من است و مصاحبم زفراّت قلب و انیسم قلمم و مونسّم جمالم و جُندم توکّلم و حزیم اعتمادم کذّلیکَ القینا علیکِ مِنْ اسرارِ الأمر لتکوئنَ مِنَ العارِفينَ ای مریم جمیع میاه عالم و انهار جاریه آن از چشم غلام است که بهیئت غمام ظاهر شده و بر مظلومیّت خود گریسته باری این جان و سر را فی ازلّ الازال در راه دوست دادیم و هر چه واقع شود بآن راضی و شاکریم وقتی این سر بر سر سنان بود و وقتی در دست شمر وقتی در نارم انداختند و وقتی در هوایم معلّق آویختند</p>	<p>۱</p>
<p>علت رفتن از ایران عشق محبوب و رضای مقصود بوده که بدستور ظالم عجم انجام گرفت: اخراج از وطن سببی جز حبّ محبوب نبوده و دوری از دیارم علّتی جز رضای مقصود نه در موارد قضایای الهی چون شمع روشن و منیر بودم و در مواقع بلائی ربّانی چون جبل ثابت در ظهورات فضلیّه ابر بارنده بودم و در اخذ اعدای سلطان احدیه شعله فروزنده شئونات قدرتم سبب حسد اعدا شد و بروزات حکمتم علّت غلّ اولی البغضا ... ای مریم از ارض طا بعد از ابتلای لا یحصى بعراق عرب بامر ظالم عجم وارد شدیم</p>	<p>۲</p>
<p>استقامت در مقابل بلائی وارد در راه حق: در موارد قضایای الهی چون شمع روشن و منیر بودم و در مواقع بلائی ربّانی چون جبل ثابت در ظهورات فضلیّه ابر بارنده بودم و در اخذ اعدای سلطان احدیه شعله فروزنده</p>	<p>۳</p>
<p>شئونات قدرتم سبب حسادت دشمنان گردید: شئونات قدرتم سبب حسد اعدا شد و بروزات حکمتم علّت غلّ اولی البغضا</p>	<p>۴</p>
<p>اشاره به مهاجرت سلیمانیه و علت این عمل: تا آنکه از بیت و آنچه در او بود و از جان و آنچه متعلّق باو گذشته فرداً واحداً هجرت اختیار نمودم و سر بصحراهای تسلیم نهادم بقسمی سفر نمودم که جمیع در غربتم گریستند و جمیع اشیاء بر کریمت خون دل بباریدند با طیور صحرا مؤانس شدم و با وحوش عرّا مجالس گشتم و چون برق روحانی از دنیای فانی گذشتم و دوسنه او اقلّ از ما سوی الله احتراز جستم و</p>	<p>۵</p>

	از غیر او چشم برداشتم که شاید نار بغضا ساکن شود و حرارت حسد بیفسرد
۶	عظمت امرالله و غفلت ناس حتی نزدیکی آن حضرت: ای مریم اسرار الهی را اظهار نشاید و رموزات ربّانی را اجهار محبوب نه و مقصود از اسرار کنوز مستوره در نفسم مقصود است لا غیر تالله حَمَلْتُ مَا لَا يَحْمِلُهُ الْأَبْحَارُ وَلَا الْأَمْوَاجُ وَلَا الْأَثْمَارُ وَلَا مَا كَانَتْ وَلَا مَا يَكُونُ در این مدّت مهاجرت احدی از اخوان و غیره استفساری از این امر ننموده بلکه خیال ادراک هم نداشته مع آنکه اعظم بود این امر از خلق سموات و ارض
۷	صاحبان بصیرت قادر به درک معارف عالیه خواهند شد: بلی صاحب بصر باید تا بمنظر اکبر ملاحظه نماید بی بصر از حسن جمال خود محروم است تا چه رسد بجمال قدس معنوی
۸	خداوند متعال مهر از روی اسرار برداشته است و لکن فقط منقطعین قادر به درک این اسرار و رموزات الهیه هستند: باری ختم اسرار را ید مختار گشود و لکن لا یعقل آلا العاقلون بل المنقطعون
۹	حفظ و حراست امرالله و تبلیغ شریعت الهی: این بنده فانی در مراقبت امرالله و ارتفاع او بقسمی قیام نمود که گویا قیامت مجدداً قائم شد چنانچه ارتفاع امر در هر شهری ظاهر و در هر بلدی مشهود
۱۰	اهمیت پاکی قلب ، دوری از تقلید و انقطاع از دنیا و خرق حجابات اوهام: قلم قدم میفرماید که از اعظم امور تطهیر قلب است از کلّ ما سوی الله پس قلبت را از غیر دوست مقدّس کن تا قابل بساط انس شوی ای مریم از تقیید تقلید بفضای خوش تجرید وارد شود دل را از دنیا و آنچه در اوست بردار تا بسلطان دین فائز شوی و از حرم رحمانی محروم نگردی و بقوّت انقطاع حجاب وهم را خرق کن و در مکمن قدس یقین درآ
۱۱	نظر انسان باید همیشه به اصل حقیقت و شجره باشد و نه به اوراق که امکان دارد از درخت جدا گشته به خاک راجع گردد: ای مریم یک شجر را صد هزار ورق و صد هزار ثمر مشهود و لکن جمیع این اوراق و اثمار بحرکتی از اریاح خریف و شتا معدوم و مفقود شوند پس نظر را از اصل شجره ربّانیّه و غصن سدره عزّ و حدانیّه منصرف منما ملاحظه در بحر نما که در محلّ خود بسلطان وقار و سکون ساکن و مستریحست و لکن از هبوب نسیم اراده محبوب بیزوال امثال و اشکال لایحصی بوجه بحر ظاهر و جمیع این امواج مغایر و مخالف مشاهده میشوند و حال جمیع ناس بامواج مشغول و از اقتدار بحر البحار که از هر حرکت او آیات مختار ظاهر محبوب گشته اند
۱۲	با ابرار مؤانس شدن واز مرافقت و مجالست اشرار بر حذر بودن: ای مریم با نفس رحمان مؤانس شو و از مجالست و مجالست شیطان در حفظ عصمت مّنان مقرر گیر که شاید ید الطاف الهی تورا از مسالک نفسانی بفضای عزّ ابهائی کشاند
۱۳	دانستن قدر این ایام: ای مریم قدر این ایام را دانسته که عنقریب غلام روحانی را در سرادق امکانی نه

<p>بینی و در جمیع اشیاء آثار حزن ملاحظه نمائی فسوف تَضَعُ أُنَامِلَ الْحَسْرَةِ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَلَنْ تَجِدُوا الْغُلَامَ وَلَوْ تَجَسَّسُوا فِي أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَذَلِكَ نُزِّلَ الْأَمْرُ مِنْ مَلَكُوتِ عَزَّ عَلَيَا بَلَى زود است که انامل وجود را از حسرت غلام در دهان بینی و در تمام آسمانها و زمینها تفحص نماید و بلقاي غلام فائز نشود</p>	
<p>جمیع انبیای الهی مورد ظلم و ستم واقع گشته اند و ما هم راضی به قضای الهی بوده و هستیم: این جان و سر را فی اَزَلِ الْأَزَالِ در راه دوست دادیم و هر چه واقع شود بآن راضی و شاکریم وقتی این سر بر سر سنان بود و وقتی در دست شمر وقتی در نارم انداختند و وقتی در هوایم معلق آویختند وَكَذَلِكَ فَعَلُوا بِنَا الْمُشْرِكُونَ</p>	<p>۱۴</p>